

جلوه سیمرغ در شاهنامه فردوسی و منطق الطیر عطار

پریسا کاویانی^۱، حدیث محمدی^۲، حنا مقدمی^۳، فاطمه فایقی^۴، فاطمه جعفری کلیبر^۵

^۱ دانشجو معلم آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تبریز

^۲ دانشجو معلم آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تبریز

^۳ دانشجو معلم آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تبریز (نویسنده مسئول)

^۴ دانشجو معلم آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تبریز

^۵ دکتری زبان و ادبیات فارسی استادیار دانشگاه فرهنگیان تبریز

چکیده

هدف و انگیزه ما در انتخاب و واکاوی موضوع، اهمیتی است که سیمرغ به عنوان نماد در ادب عرفانی دارد. حضور سیمرغ در فرهنگ ایران به باستان بازمی‌گردد. در داستان رمزی منطق الطیر، هدهد پیر مغان و هریک از مرغان، رمزی از سالکان هستند و سیمرغ، رمز حق و حقیقت است که مرغان برای رسیدن به وی ملزم به گذراندن هفت وادی سخت و دشوار هستند. سیمرغ در شاهنامه مانند زال پدیده ای پیچیده و نشانه ای از تلقین‌های متضاد اقوام ایرانی است و چهار بار در این اثر حضور پیدا می‌کند این پژوهش با تکیه بر منطق الطیر و شاهنامه، ویژگی‌های ظاهری، محل زندگی و بعد معنایی سیمرغ را مورد بررسی قرار می‌دهد و به مقایسه اجمالی مختصات این پرنده اسطوره ای در این دو اثر می‌پردازد. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای-توصیفی مطالعه و تدوین شده است.

واژه‌های کلیدی: سیمرغ، اسطوره، منطق الطیر، شاهنامه، حماسه، عرفان

مقدمه

سیمرغ، اسطوره نام آشنای ایران زمین، یادآور زال و سرنوشت او، هفت خان و غایت مرغان سخنگو، در ادب پارسی سابقه ای دیرینه دارد. سیمرغ پرنده ای است آریایی که نامش در اوستا به صورت Saenmeregho (عطار، ۱۳۷۸-۳۱۱) و در پهلوی به معنی مرغ پیشوا و سرور همه مرغان و اولین مرغ آفریده شده آمده است.

نخستین بار در اوستا از این پرنده سخن به میان می‌آید، در متون زرتشتی بسامد بالایی دارد و رفته رفته به قلمرو و حماسه و عرفان راه می‌یابد. در این میان حضور سیمرغ در متون حماسی به ویژه شاهنامه پررنگ‌تر و کارکردهای آن بر جسته‌تر می‌باشد. این پرنده در شاهنامه توت‌م خانوادگی رستم و یاریگر خاندان زال است. همچنین دو جلوه مثبت و منفی - اهورایی و اهریمنی - می‌یابد که وجه تمایز آن از دیگر آثار است. سیمرغ در متون عرفانی مظهر حقیقت است و منظر معنایی دارد موجودی است فرازمینی و خداگونه، دارای نیروهای ماوراء الطبیعی. در نوشته‌های عرفا و فلاسفه ایران زمین از جمله احمد غزالی، سهروردی، عین القضات همدانی، ابن سینا، سیمرغ رمزی از حقیقت بی‌کران ذات الهی است. (صدرایی، ۱۳۹۴)

پیشینه تحقیق

تحقیقات گسترده ای در زمینه ابعاد مختلف شاهنامه فردوسی و منطق الطیر عطار صورت گرفته است. همچنین موضوع سیمرغ در بسیاری از این تحقیقات مورد توجه بوده اما مقایسه سیمرغ در شاهنامه و منطق الطیر کمتر صورت گرفته و محدود است. این مقایسه‌ها به صورت جزئی و شامل مطالب کم‌اهمیت‌تر بوده اند. ما در این مقاله مقایسه کلی و اجمالی سیمرغ در این دو اثر پرداختیم تا کسانی که به اطلاعات عمومی و کلی از سیمرغ نیاز دارند آن را مطالعه کنند. کتاب‌ها و مقاله‌های محدودی که به مقایسه پرداخته‌اند عبارتند از:

دهقان، علی و دادرسی محمدی (۱۳۹۱)، ((تحولات اسطوره سیمرغ در گذر از حماسه و عرفان)): در این مقاله تغییرات شخصیت سیمرغ از در گذر از حماسه به عرفان را بررسی می‌کند.

محمدی حاجی، آبادی فائزه و حسن علی پورمند (۱۳۹۰)، (بررسی تطبیقی سیمرغ با استناد به اوستا، شاهنامه منطق الطیر)، فصلنامه علمی پژوهشی، س ۴، ش ۸: در این مقاله سیمرغ را در اوستای زرتشت، شاهنامه فردوسی و منطق الطیر عطار از جنبه‌های نماد، اسطوره، افسانه و تاریخ به صورت وسیع بررسی می‌کند.

جلوه سیمرغ در شاهنامه

اولین ظهور سیمرغ در ابیات با شاهنامه آغاز شد که برای نجات زال بود. سپس کمک به رودابه برای تولد فرزند و پس از آن تدبیر کشتن اسفندیار به درخواست زال و رستم. حضور سیمرغ در شاهنامه فردوسی

حضور حماسی است و البرز کوه به عنوان محل زندگی او معرفی می‌شود. این پرنده در خاندان سیتان چهره ای آیینی و پذیرفته دارد اما در هفت خان چهره ای اهریمنی می‌یابد به همین دلیل به دست اسفندیاری که به آیین زرتشت درآمده و مبلغ باورهای زرتشتی است کشته می‌شود. درک این مسئله آسان است. دین زردشت جادو را نمی‌پذیرد در حالیکه وجود سیمرغ با جادو و آیین‌ها جادویی درآمیخته است. (رفتاری، ۱۳۶۸ : ۱۷۷-۱۸).

هفت خوان رستم و اسفندیار

سیمرغ اهریمنی در هفت خان اسفندیار قدر از شان و شکوه سیمرغ معروف شاهنامه فاصله دارد به جز وفاداری فردوسی به نقل دقیق روایت مذکور در منابع شاهنامه نمی‌توان محملی برای آن در نظر گرفت. به هر حال ظهور سیمرغ، که وارث شوون حکیم روحانی مذکور در یشتها و دینکرد و مرغ اهورایی و ارجمند و ارغن یشتها و سین مورد در مینو خرد و دارنده پر ضد گزند و بخشنده پر اهورایی است، در چنین هیئات اهریمنی ظاهراً نمی‌تواند منشأ باستانی و سنتی و مستند باشد. (منوچهر مرتضوی ۱۳۷۲ : ۱۳۰-۱۳۱).

اژدهای جادو که از صفات اژدهای آتش‌بار و دهنده اساطیری و اژدهای جادو یکسان برخوردار است، چنانکه در هفت خان رستم آمده است. اژدهای هفت خان رستم با رستم سخن می‌گوید و نام رستم را می‌پرسد و پاسخ می‌دهد. شاید در بطن این اژدهای اهریمنی و همچنین سیمرغ اهورایی اختلاط دو خاطره و دو سنت (یعنی اختلاط شخصیت جادویی و اهریمنی با اژدها و شخصیت اهورایی با سیمرغ) مستتر باشد، که البته در مورد سیمرغ مسلماً چنین اختلاط و امتزاجی در طی قرون و اعصار صورت گرفته است. (منوچهر مرتضوی، ۱۳۷۲ : ۱۳۱) سایه سیمرغ بر بخش بزرگی از شاهنامه گسترده است. (منوچهر مرتضوی ۱۳۷۲ : ۱۳۶)

نماد سیمرغ در شاهنامه

حضور سیمرغ در فرهنگ ایران به باستان برمی‌گردد. سیمرغ در شاهنامه مانند زال پدیده ای پیچیده و مبهم و نشانه ای از نقش‌ها و تلقین‌های متضاد قوم‌ها و قومیت‌های ایرانی است. حضور سیمرغ در شاهنامه چهار بار دیده می‌شود که در هر مرحله تجلی اهریمنی و ایزدی از او دیده می‌شود.

واژه سیمرغ در کتاب‌های لغت

سموع پر آوازه ترین جانور در اساطیر و باورهای ایرانی است. به گونه ای که در ادب فارسی هر روز بر جایگاهش افزوده می‌شود. سیمرغ، پرنده ای با قدرت بسیار، بال‌های گسترده و اندام فراخ است. سیمرغ از آن

جهت گویند هر رنگی که در پر هر یک از مرغان باشد همه در پره‌های او موجود است و در آندراج به آن (سیرنگ) گفته شده است. واژه سیمرغ در اوستا به صورت مرغ(سئنه) و (مرغوسئن) آمده است. در اصل اوستایی آن مرغ (شه یه نه) یا (سی نا)) و در سانسکریت به معنای شاهین است و برخی محققان کلمه سئنه را در اوستا به شاهین و عقاب ترجمه کرده اند. (بایر، ۱۳۸۴: ۱۷)

سیمرغ، نماد هلاکت و بقا

سیمرغ در مرحله اول شاهنامه در داستان امثال میدانی نماد هلاکت موجودات برای بقای خود و فرزندان است. از تضاد درونی نماد هلاکت و بقا در هر دو اسطوره چنین برداشت می شود که برای بقای خود مجبورند کودک شکار کنند. سیمرغ در شاهنامه، زال را برای بقاء خود و فرزندان بر می دارد. (میدانی، ۱۹۹۶، ۲: ۲۸۰) سیمرغ در سه مرحله زنده است حتی در پایان داستان رستم و اسفندیار بقا و جاودانگی دیده می شود. اما سرنوشت سیمرغ را میدانی آورده است. فَأَصَابَتْهَا صَاعِقَةٌ فَأَحْتَرَقَتْ (میدانی، ۱۹۹۶، ۲: ۲۸۰) او با برخورد صاعقه سوخت و از بین رفت.

جلوه اسطوره سیمرغ در منطق الطیر

منطق الطیر عطار یکی از برجسته ترین اثار عرفانی در ادبیات جهان است و می توان گفت هیچ اثری در ادبیات منظوم عرفانی پس از مثنوی معنوی مولوی به پای آن نمی رسد بطوریکه جلوه سیمرغ در آن از دیگر آثاری که نشانی از سیمرغ در آنها بکار رفته زیباتر، گسترده تر و عارفانه تر است. عطار در ابیات ۶۱۶ تا ۶۸۰ منطق الطیر با سیزده پرنده گفت و گو میکند، که گفت و گو با هر پرنده در پنج بیت ارائه شده است. قالب هر پنج بیت متشکل از سه جزء است که در آن یک پرنده، یک پیامبر، و یک شخصیت منفی (ضد قهرمان) دیده می شود. سیمرغ عطار رموز نمادی از حقیقت مطلق میباشد که برای رسیدن به وی ملزم به گذراندن هفت وادی سخت و دشوار است. در داستان رمزی منطق الطیر هدهد، پیرمغان و هریک از مرغان رمزی از سالکان هستند و سیمرغ نیز رمز حق و حقیقت است. منطق الطیر یا زبان مرغان، اشاره به استعداد و مقام هر فرد است چرا که زبان آیینی تمام نمای عقل و روح بشری است و زبان سیمرغ مرتبه‌ی رفیع انسانی و قدرت معنوی اوست به نقل قول از عطار:

من زبان نطق مرغان سر به سر/با تو گفتم فهم کن ای بیخبر

درمیان عاشقان مرغان درند/کز قفس پیش از اجل در میپزند

جمله را شرح و بیانی دیگر است /آنکه مرغان را زبانی دیگر است

پیش سیمرغ ان کسی اکسیر ساخت/کز زبان جمله مرغان را شناخت

(عطار، ۱۳۶۵:۳۱۹)

تفاوت به لحاظ آشیان و محل زندگی سیمرغ

آنگونه که از اوستا و آثار پهلوی متعلق به فرهنگ قبل از اسلام به جا مانده، سیمرغ مرغی است فراخ بال که بر درختی به نام (ویسپویش) یا (هرویسپ) آشیان دارد. درخت ویسپویش (همه را درمان بخش) که آشیان سیمرغ است درختی است در بر دارنده ی تخم همه گیاهان. (یشت ها، ۱: ۵۷۴) محمد مختاری اینگونه بیان کرده که خواص همین درخت در حماسه به سیمرغ نسبت داده شده و بصورت درمانبخشی او تجلی کرده است. (مختاری، ۱۳۷۹:۷۸)

در منطق الطیر عطار پرندگانی به دنبال یافتن سیمرغ شهر و دیار خود را ترک میکنند و محل استقرار او یا کوه قاف است و با درختی که بر روی کوه روییده است. (عطاریشاپوری، ۱۳۸۳:۱۱۶)

در رساله های شیخ شهاب الدین سهروردی و برخی مورخان نیز همین دو عنصر کوه و درخت دیده میشود. متون حماسی فارسی سیمرغ را گاه با کوه و گاه با کوه و درخت در ارتباط نشان داده اند. شاهنامه سیمرغ را برکوه البرز نشانده در گرشاسپ نامه اسدی طوسی به کوه و درخت هردو توجه داشته و سیمرغ را در میانه دریا نشانده است.

تفاوت به لحاظ کاربرد معنایی

عطار در منطق الطیر چهل و هفت بار از واژه سیمرغ و دوبار از عنقا در اشعار خویش استفاده کرده است. بطور کلی در منطق الطیر سیمرغ جلوه و معانی مختلفی دارد که بیشتر بر پایه ی رمز و نماد مطرح میشود:

۱- سیمرغ مظهر حضرت حق و حقیقت مطلق

نام او سیمرغ سلطان طیور / او به ما نزدیک و ما زو دور دور

(عطار، ۱۳۸۸:۲۶۴)

ابتدای کار سیمرغ ای عجب / جلوه گر بگذشت بر چین نیمشب

همان: ۲۶۵

گر نگشتی هیچ سیمرغ اشک / نیستی سیمرغ هرگز سایه دار

(همان: ۲۸۱)

۲- سیمرغ مظهر بلند مرتبگی و بلند همتی

کی شود سیمرغ سرکش یار من / بس بود خسرو نشانی کارمن

(همان: ۲۷۳)

من ره وادی کجا دانهم برید / زآنکه با سیمرغ نتوانم پرید

(همان: ۲۷۰)

من به سیمرغ قوی دل کی رسم / دست بر سر پای در گل کی رسم

(همان: ۲۷۲)

۳- سیمرغ مظهر عشق

پیش سیمرغ آن کسی اکسیر ساخت/ کاو زفان این همه مرغان شناخت. (همان: ۴۳۹)

اما در شاهنامه فردوسی اسطوره سیمرغ به دو گونه متفلوت جلوه گر شده است. اولی همان سیمرغی است که زال، پدر رسام را پرورده و بعدها او را در دو مرحله، در تنگناهای سخت یاری نموده. سیمرغ دیگری که حضورش در این اثر حماسی دیده میشود سیمرغی است که در خان پنجم از هفت خان اسفندیار در راه رسیدن به «رویین دژ» به دست وی کشته میشود، و این همان سیمرغی است که سیمرغ پرورنده زال، موقع راهنمایی رستم در نبرد با اسفندیار و بر حذر داشتن او از جنگ با اسفندیار وی را جفت خود و مرغ با دستگاه خوانده و به شکستن با آن همه قدرت در مقابل اسفندیار اشاره کرده و میگوید:

بپرهیز از وی نباشد شگفت / مرا از خود اندازه باید گرفت

که ان جفت من مرغ با دستگاه / به دستان و شمشیر کردش تباه (فردوسی، ۱۳۸۳: ۷۷۵)

همچنانکه ملاحظه می‌شود شخصیت این اسطوره در شاهنامه از نوعی دوگانگی برخوردار است و این باعث شده که پژوهشگران فارسی زبان وجود این دو سیمرغ را به دو نیروی متضاد تعبیر کنند و این دو نیروی متضاد را نمود بارزی از تضاد بین دو نیروی اهورامزدا و اهریمنی که مربوط به آیین زرتشتی هستند به حساب بیاورند. دکتر اسلامی ندوشن در کتاب (داستان داستانها) در تشریح این موضوع مینویسد: قرار گرفتن سیمرغ خوب و بد در کنار هم ظاهراً از اعتقاد ایران باستان که اهورامزدا و اهریمن در برابر همدند سرچشمه گرفته است. (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۱: ۱۵۱) به هرحال اگر این جلوه ی دوگانگی سیمرغ را به حساب نیاوریم باز باید اذعان داشت که نقش آفرینی در شاهنامه به دو صورت کاملاً متفاوت است و این تفاوت چهره با جایگاه رفیعی که سیمرغ در منطق الطیر به آن اشاره شد، مناسبت چندانی ندارد.

نتیجه گیری

حاصل آنچه به نوشتی آمد بطور خلاصه این است که سیمرغ از پر بارترین نمادهای فلسفه و ادب و حکمت است. که هم در جهان اساطیری و هم در ساحت عرفان و حماسه جایگاه ویژه به خود اختصاص داده است.

اما با توجه بنا به مقتضیات منحصر به فرد هر یک از انواع ادبیات حماسی و عرفانی جلوه های حضور سیمرغ در هر یک از این دو عرصه متفاوت با دیگری است. در آثار عرفانی بر خلاف آثار حماسی، سخنی از زاد و ولد و بچه دار شدن این اسطوره به میان نیامده و موجودی شکست ناپذیر و بی مرگ معرفی شده است و در ادبیات عرفانی علی رغم آثار حماسی بر چنان جایگاه بلندی نشانده شده است که با عالم ماده چندان سنخیتی ندارد. جلوه های مختلف سیمرغ در شاهنامه فردوسی و منطق الطیر، این تحولات را به روشنی نشان می دهد که در مقاله ی تهیه شده به آن اشاره شد.

منابع :

- ۱- عطار نیشابوری، شیخ فرید الدین محمد (۱۳۷۸)، منطق الطیر (مقامات طیور). به اهتمام سید صادق گوهرین، جاب چهاردهم، تهران: علمی فرهنگی
- ۲-مختاری، محمد (۱۳۶۸) **اسطوره زال**، چاپ اول، تهران آگه
- ۳- اسلامی ندوش، محمد علی (۱۳۵۱) **داستان داستان**، تهران، انجمن آثار ملی
- ۴- عطار فرید الدین محمد (۱۳۸۸)، **منطق الطیر**، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی تهران: سخن
- ۵-دوستی، مینا (۱۳۹۴)، «**روابط تصویری و بینانسانه ای سیمرغ با نظام ادبی آن در منطق الطیر عطار**»، فصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی، شماره ۶ تابستان
- ۶-صدرایی، رقیه (۱۳۹۴)، **بررسی و تحلیل نقش جلوه سیمرغ در آینه متون عرفانی با تکیه بر منطق الطیر عطار و مثنوی مولانا** (فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی
- ۷-مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۲)، **فردوسی و شاهنامه**، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ۸-قلی پور زبید، طاهره، محمد نایگان مهر و محمد جعفری (۱۳۹۸)، ((واکاوی اسطوره سیمرغ و عنقا در شاهنامه فردوسی و مجمع الامثال میدانی)) مجله زبان و ادبیات عربی، شماره ۱ - بهار